



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از جمله احادیثی که شیخ اعظم انصاری تبعاً لملا احمد نراقی در عوائد ذکر کرده و گفته که به آن برای ولایت فقیه استدلال شده حدیث: «مجار الامور بيد العلماء بالله الأئمة على حاله وحرامه»^۱ می باشد، عرض کردیم شیخ انصاری و بسیاری از شراح و محشین مکاسب مثل آخوند خراسانی و محقق نائینی و آیت الله خوئی و هدایة الطالب و هدی الطالب و ایروانی و مامقانی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و عده ای دیگر تماماً در این حدیث مناقشه کرده و فرموده اند بر ولایت فقیه دلالتی ندارد زیرا اولاً مراد از علماء ائمه علیهم السلام هستند نه فقهاء، ثانیاً احادیث مذکور فقط دلالت دارند بر اینکه شأن علماء بیان احادیث و احکام الهی است نه ولایت فقیه و مدیریت و حکومت بر جامعه، اما در مقابل امام رضوان الله علیه هم در کتاب حکومت اسلامی و هم در دفتر تبیان شماره ۴۵ و هم در کتاب البیع فرمودند حدیث مذکور دلالت روشنی بر ولایت فقیه دارد زیرا بر تاریخ و عبرت گرفتن از آن دلالت دارد که مسئله بسیار مهمی می باشد، در واقع امام رضوان الله علیه می خواهد بفرماید این حدیث مارا تشویق و ترغیب می کند به عبرت گرفتن از تاریخ به این صورت که بدانیم هر قضیه ای یک ظاهر و یک باطنی دارد و ما باید از ظاهر قضایا عبور کنیم و آنها را ریشه یابی کنیم و به باطن و رموز و اسرار و عمق قضایا پی ببریم، در قرآن کریم و مخصوصاً در سوره حشر نیز ذکر شده: «يُخْرِبُونَ يُؤْتَتُهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»^۲.

قرآن کریم تاریخ و عبرت گرفتن از آن را یک امتداد پویا و متحرک بر اساس سنن الهی معرفی می کند و می گوید عالم

خلقت دارای سننی است و تاریخ و حوادث و وقایعی که اتفاق می افتد همگی بر اساس سنن الهی بوجود آمده است، مثلاً در آیه شریفه ذکر شده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۳ و یا: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۴ و یا: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۵ که تمام اینها از سنن الهی هستند.

همان طور که عرض شد قرآن کریم تاریخ و عبرت گرفتن از آن را یک امتداد پویا و متحرک بر اساس سنن الهی معرفی می کند لذا چند نکته در اینجا وجود دارد؛ اول اینکه قرآن کریم انبیاء و اولیاء و افعالشان را در یک خط و نمود و فرعون و ابوجهل و ابوسفیان و امثالهم و افعالشان را در خط دیگری قرار می دهد، دوم اینکه افعال انبیاء و اولیاء و منطلق آنها را در مقابل افعال و منطق جباران و مستکبران عالم قرار می دهد و سوم عاقبت و نتیجه هر دو دسته (انبیاء و اولیاء و در مقابل جباران و ستمکاران) را بیان می کند و در حدیثی که ذکر شد حضرت سید الشهداء نیز از عبرت گرفتن شروع کرده است.

بنده چند مطلب از حدیث استفاده کرده ام:

مطلب اول: حدیث با "اعتبروا" شروع شده و حضرت سید الشهداء علیه السلام اول به سراغ بنی اسرائیل و علت انحراف و فاسد شدن آنها می رود و می فرماید: «لَوْلَا يَنْهَاهُم الرِّبَانِيُّونَ (علماء اهل تورات) والاحبار (علماء اهل انجيل) عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السَّحْتَ» و حضرت در ادامه علت اینکه علماء کاری نکردند تا اینکه بنی اسرائیل فاسد و منحرف شدند را بیان می کند و می فرماید: «لَا نَهَمُ كَانُوا يَرُونَ مِنَ الظُّلْمَةِ الَّذِينَ بَيْنَ أَظْهَرِهِمُ الْمُنْكَرَ وَالْفُسَادَ فَلَا يَهْنُوهُمْ عَنْ ذَلِكَ رَغْبَةُ فِيمَا كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةٌ مِمَّا يَحْذَرُونَ وَاللَّهُ يَقُولُ: "فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ»

^۳ سوره رعد، آیه ۱۱.

^۴ سوره ابراهیم، آیه ۷.

^۵ سوره اعراف، آیه ۹۶.

^۱ تحف العقول، ابن شعبه الحرانی، ص ۲۳۷.

^۲ سوره حشر، آیه ۲.

واخشون" ، وقال: " المؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر " ، فبدأ الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة منه... الى آخره، بنا براین مطلب اولی که حضرت بیان کرده ذکر فساد علماء بنی اسرائیل است که علت اصلی گرایش جامعه بنی اسرائیل به انحراف و فساد می باشد.

مطلب دوم: حضرت سید الشهداء علیه السلام بعد از یک مطلب تاریخی و قرآنی خطاب به علماء مسلمان در آن زمان علت احترام مردم نسبت به آنها را امید و انتظار و توقع مردم از آنها بیان می کند و می فرماید: ﴿ثم أنتم أيتها العصابة عصابة بالعلم مشهورة وبالخير مذكورة وبالنصيحة معروفة وبالله في أنفس الناس مهابة، يهابكم الشريف ويكرمكم الضعيف ويؤثركم من لا فضل لكم عليه ولا يد لكم عنده، تشفعون في الحوائج إذا امتنعت من طلبها وتمشون في الطريق بهيبة الملوك وكرامة الاكابر، أليس كل ذلك إنما نلتموه بما يرجى عندكم من القيام بحق الله وإن كنتم عن أكثر حقه تقصرون﴾ و همین طور هم هست.

مطلب سوم: حضرت حقی که مردم بر ذمه ی علماء دارند را بیان می کند و می فرماید: ﴿فاستخففتكم بحق الائمة، فأما حق الضعفاء فضيعتكم وأما حقكم بزعمكم فطلبتم، فلا مالاً بذلتموه ولا نفساً خاطرتكم بها للذي خلقها ولا عشيرة عاديتموها في ذات الله انتم تتمنون على الله جنته ومجاورة رسله وأمانا من عذابه ، لقد خشيت عليكم أيها المتمنون على الله أن تحل بكم نقمة من نعماته لانكم بلغت من كرامة الله منزلة فضلتم بها ومن يعرف بالله لا تكرمون وأنتم بالله في عباده تكرمون وقد ترون عهود الله منقوضة فلا تفرعون وأنتم لبعض ذمم آبائكم تفرعون وذمة رسول الله صلى الله عليه وآله محقورة والعمى والبكم والزمنى في المدائن مهمة لا ترحمون ولا في منزلتكم تعملون ولا من عمل فيها تعينون وبالأدهان والمصانعة عند الظلمة تأمنون، كل ذلك مما أمركم الله به من النهي والتناهي وأنتم عنه غافلون﴾.

مطلب چهارم: حضرت در ادامه باز خطاب به علماء مطالبی را بیان می کند که آن قسمت از حدیث که مورد بحث و محل استشهاد ماست نیز ذکر شده، حضرت می

فرماید: ﴿وأنتم أعظم الناس مصيبة لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون، ذلك بأن مجاري الامور والاحكام على أيدي العلماء بالله الامناء على حاله وحرامه فأنتم المسلوبون تلك المنزلة وما سلبتم ذلك إلا بتفرقكم عن الحق واختلافكم في السنة بعد البينة الواضحة. ولو صبرتم على الاذى وتحملتكم المؤونة في ذات الله كانت أمور الله عليكم ترد وعنكم تصدر واليكم ترجع ولكنكم مكنتم الظلمة من منزلتكم واستسلمتم امور الله في أيديهم، يعملون بالشبهات ويسيرون في الشهوات، سلطهم على ذلك فراركم من الموت وإعجابكم بالحياة التي هي مفارقتكم، فأسلمتم الضعفاء في أيديهم فمن بين مستبعد مقهور وبين مستضعف على معيشته مغلوب، يتقلبون في الملك بآرائه و يستشعرون الخزي بأهوائهم إقتداء بالاشرار وجرأة على الجبار، في كل بلد منهم على منبره خطيب يصقع، فالارض لهم شاغرة وأيديهم فيها مبسوطة والناس لهم خول لا يدفعون يد لامس، فمن بين جبار عنيد وذی سطوة على الضعفة شديد، مطاع لا يعرف المبدئ المعيد فيا عجباً ومالي [لا] أعجب والارض من غاش غشوم ومتصدق ظلوم وعامل على المؤمنين بهم غير رحيم، فالله الحاكم فيما فيه تنازعنا والقاضي بحكمه فيما شجر بيننا﴾.

خلاصه اینکه حضرت امام رضوان الله عليه این روایت را همراه با درد دلهای فراوانی از امت و علماء اسلام نقل می کند و در پایان می فرماید این حدیث از جمله احادیثی است که بر ولایت فقیه دلالت دارد.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين